

تأثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه های مذهبی و زورخانه ها در ایران طفالن نقش در قنداقه سنگ

استاد جابر عناصری

در این مقاله، تأثیر تشیع بر ابنیه و اماکن مذهبی ایران بررسی شده است. تشیع نه تنها بر نوع معماری و آیین بندی اماکن موجود اسلامی همچون مساجد تأثیر گذاشته، بلکه در ایجاد و انواع دیگری از اماکن مذهبی همچون حسینیه، تکیه، سقاخانه سقانفار / سقاتالار، آب انبار، امام زاده و زورخانه نیز تأثیر گذار بوده و نمادهای مذهبی به وضوح در این گونه اماکن تبلور یافته اند.



محراب الجایتو خدابنده در مسجد جمعه

مقدمه

شیعه به متابعت از سیره رسول الله(ص) و در نظر گرفتن تقدس اماکن دینی و مذهبی، بنیانگذار زیباترین ابنیه ویژه

نیایش و عبادت در جهان اسلام است. هرچند صرف عبادت به درگاه پروردگار در پایه گذاری این مکان هدف اصلی بوده، اما جنبه های اجتماعی و رویارویی مردم و همدلی و چهره به چهره شدن و جامعه شناسی تعاون و همیاری و هم فکری در انجام فرایض دینی و رعایت تشریفات مذهبی نیز مد نظر بوده اند.

فضای الهی و نظر کرده این اماکن، همیشه ایام روح بخش و دلنواز بوده است. به فرمان الهی و اطاعت حضرت محمد(ص)، نخستین مسجد در مدینه النبی ساخته شد، اما اهل تشیع از همان روز، با توجه به دل سپاری به خاندان عصمت و طهارت(ع)، سعی کردند هم در مسجد حضور یابند و گوش به موعظه های واعظان و نطقان بسپارند و - به اصطلاح - به دین و روش مسجد احترام بگذارند و هم با توجه به قداست آرامگاه و مشهد اولیاء الله، دریچه ای به سوی عبادت بگشایند و آیین عبادت در مسجد و زیارت در امام زاده ها و مرقد مطهر امامان را از نظر دور نسازند و تشریفات اجتماعی - عبادی را پر رونق نمایند.

ایرانیان در این طریق، الحق که سنگ تمام گذاشته اند. ایرانی پیرو تشیع، گویی در زیارت کعبه، زادگاه امام همام علی بن ابی طالب(ع) و مذبح ذبیح کربلا را به یاد آورده، گریزی به مصایب اولیا می زند. ستایش و نیایش اهل تشیع ضمن برگزاری مناسک حج دیدنی است. مساجد شیعه مناظری از روضه خلدبرین را مجسم می سازند و تربت شهدا همیشه ایام عطرآگین، و صحن و سرای امام زاده ها پیچیده در گل بانگ های ایمان، همواره معطرند، و سقاخانه ها که وقف سقای لب تشنگان حضرت عباس(ع) اند، همواره منور، و آب انبارها به وقف، سیراب کننده مردم عطشان، و بقاع متبرکه محل عبادت مؤمنان جان شیفته، و حسینیه ها و زینبیه ها و عباسیه ها و مهدیه ها یادآور عظمت اولیا و اهل بیت، و تکایا محل تجمع ذاکران و واعظان و خطیبان یوده است.

مسجد

در ایران زمین، از روزگار پارو پیرار، حرمت نیایشگاه در نظر گرفته شده و سرسپردگان به آیین تشیع در سجده گاه های خود، همواره در کنار اعمال عبادی، جنبه های زیبایی شناختنی محل عبادت و آداب زیارت را رعایت کرده اند. در روند شکل گیری شهرها، مراکز مذهبی جایگاه خاصی داشته و نیایشگاه ها در شهرها و روستاها، در دل آبادی جای گرفته اند.

رسول الله(ص) در مدینه النبی با معماری ویژه اسلامی و به موهبت الهی، مسجدی زیبا بنیان نهاد و شاید کمتر از نیم سده از تاریخ بنای این مسجد نگذشته بود که یک ایرانی نو مسلمان و مؤمن در «پهره» یا «فهرج» (یکی از چهار شهر آن روز یزد) با بهره گیری از ذوق و شوق همیاران و گرویدگان به آیین رسول الله(ص)، خداخانه ای برای همشهریان خود بنیاد کرد که خوشبختانه تاکنون از آسیب ویرانی و دست کاری بر کنار مانده است. اما آن چه در تأثیر تشیع در معماری مساجد فرامی گیریم، به کارگیری عناصر و عوامل مؤثر در شکل گیری مذهب تشیع است. شیعیان ایرانی برای نماز و نیایش، هرگز محراب خونین شهید محراب علی بن ابی طالب(ع) را فراموش نکرده اند و بعد از ذکر نام الله و پیامبرش رسول الله(ص)، نام اولیاء الله را بر روی محراب ها باز نوشته و در چرخاندن رخ به سوی محراب از عبادت بی ریای اولیا یاد کرده و سعی نموده اند بدان ها تشبیه جویند. شاید یکی از شواهد برجسته در مساجد اهل تشیع، کتیبه بندی و نگارش اشعاری در وصف سرسپردگان تشیع است. نماز و نیایش به درگاه خداوند با مجد و عظمت رسول خدا(ص) و اهل بیت آن عزیز خدا ادامه می یابد و اصول و دستورات مذهبی مطرح می گردند.

مسجد یزد خواست، مسجد جامع اردبیل، مسجد جامع بروجرد، مسجد نیریز و مسجد سر کوچه محمدیه نایین و... همه تماشایی اند. نام علی(ع) و اولاد او(ع) در چهارگوشه این مساجد در گچ بری های زیبا تجلی یافته اند. مسجد جامع گلپایگان، مسجد میدان ساوه (به روزگار صفویان از باب ایمان، شیعیان محراب زیبا و دیدنی با گچ بری رنگین بر آن افزوده اند) نمونه های خوبی از این بناهای مقدس اند. در زیر گنبد چشمگیر سلطانیه، هر آنچه می بینیم علی(ع) است و یاد علی(ع) و نام علی(ع) به حروف ابجد و... مسجد علویان نایین، که گمان می رود بنیاد آن کهن باشد و در سده هشتم دو اشکوبه شده است، و مسجد جامع سمنان و ورامین که شیعیان سخت به عبادت در این مساجد دلسپارند، همگی نشان از به کارگیری نمادها سوی شیعیان دارند و از برکت تأثیر تشیع، مساجد شیعیان از نظر ریخت شناسی و سیماشناسی، از بسیاری از اماکن مقدسه دیگر ممتاز و متمایزند. جامعه شیعیان در مساجد ضمن عبادت، از بزرگواری اولیا بحث می کنند و در کنار هر پرچم و کتیبه ای شعری زیبا در مدح فرزندان رسول الله می نگارند.

حسینیه

«حسینی» یعنی منسوب به حسین(ع). این پیوند میان حسین(ع) و حسینیان در تمام جلوه های زندگی عاشقان برقرار است. حسینیان در فکر و ایده و مرام، به مولای عاشقان، حسین(ع)، تشبه می جویند. و «حسینیه» مکانی است برای اقامه سوگواری برای ابا عبدالله الحسین(ع). شاید روی آوردن شیعه به حسینیه، در دوران های کهن به خاطر آن بوده است که مساجد، اغلب در اختیار و سلطه حکومت هایی بوده اند که برای تشیع و اقامه عزاداری و مراسم مذهبی شیعه، محدودیت هایی ایجاد می کردند. در ایران، در گوشه و کنار شهرها و روستاها، حسینیه های فراوانی به چشم می خورد که همه از باب محبت به حسین(ع) ساخته شده و گاهی به عنوان «زائرسرا» برای زوار نیز در نظر گرفته شده اند؛ مثل حسینیه آذربایجانی ها، تهرانی ها، اصفهانی ها و... که در شهرهای نجف کربلا، مشهد و... از این گونه فراوانند.

در مناطق هند، به حسینیه، «امام باره» می گویند. در برخی از نقاط آسیای میانه نیز حسینیه هایی که می ساختند، به «مسجد شیعه ها» معروف می شدند. یکی از حسینیه های معروف ایران، «حسینیه مجتهد» در شهر اردبیل و دیگری بخشی از تکیه معاون الملک کرمنشاه و مشهور به حسینیه است که در کنار زینبیه و عباسیه قرار دارد و در کاشی های منقش این صحن و سرا، بسیاری از وقایع مربوط به کربلا نقش بسته اند. تأثیر مستقیم تشیع از دیرگاه در به وجود آمدن چنین مکان مقدسی کاملاً آشکار است.

تکیه

تأثیر تشیع در برپایی تکیه ها و عزاخانه ها انکارناپذیر است. معمولاً «تکیه» به عنوان محلی برای عزاداری سیدالشهدا(ع) به ویژه در دهه محرم، ساخته و برپا می شود. البته این گونه اماکن غیر از تکیه های دایمی هستند. «تکیه» در حقیقت، پس از مسجد، پایگاه معنوی مسلمانان، به خصوص شیعیان، به حساب می آید؛ جایی که مردم با تعزیه خوانی و سوگواری برای سالار شهیدان و یاران وفادارش، به او متوسل و متکی می شوند. تکیه با تعزیه و عزاداری عجین گشته است. به نظر می رسد در قلمرو آداب و رسوم صوفیان، تکایا- از دیرگاه- اماکن خاصی برای اجرای مراسم عارفان و مکمل خانقاه به حساب آمده اند. اما تأثیر تشیع در چنین مکانی نخست از باب

مهر به قطب الاقطاب، حضرت ابوتراب علی بن ابی طالب(ع) و سپس نقش اصلی آن برای عزاداری و به ویژه در حیطة هنر قدسی شبیه خوانی و تعزیه بوده است.



تکیه دولت در زمان قاجار (اثر کمال الملک)

بخش های تکیه

ترکیب ساختمانی تکیه هایی که به صورت ثابت، محل اجرای تعزیه بوده (و هم اینک در برخی از تکایا رعایت می شود) عبارت است از:

- سکویی در وسط ساختمان، به بلندی نیم تا سه ربع ذرع که جای اجرای تعزیه و موسوم به «مصطبه» بوده است.
- دو ردیف پلکان دو سه تایی- در طرفین سکو- برای بالا و پایین رفتن شبیه خوانان.
ق... گذرگاهی محیط بر سکو که آن هم جزء عرصه نمایش مذهبی و معمولا جای اسب تازی و جنگ و جدل میان اولیا و اشقیا بوده است.

- غرفه ها و طاق نماها برای حضور تماشاگران؛ این غرفه ها دور تا دور تکیه ساخته می شدند.
- دیوارهای تکیه با کتیبه های سیاهی که اشعاری در سوگ خاندان حضرت امام حسین(ع) بر آن نقش بسته بودند پوشانده می شدند.

- پرچم ها و علامت ها و «کتل» (Kotal)ها؛ یعنی پرچم های رنگی استوانه ای شکل مخصوص هر تکیه که در جای مناسبی جلوی چشم مردم قرار می گرفتند. ورود و خروج اسب سواران از سکوهای شیب دار در کنار سکوی اصلی صورت می گرفت.

شیوه پذیرایی در تکیه ها

تکیه ها دارای طاق نماهایی بود که هر کدام یک نفر متصدی داشت. او می بایست از حاضران در مجلس با خرما و حلوا و شربت پذیرایی نماید. به محض این که تازه واردی به طاق نما وارد می شد، متصدی آن طاق نما، پس از ریختن گلاب از گلاب پاش به کف دست او، در سینی کوچک و ورشویی و نعلبکی بلوری و استکان مخصوص، قهوه یا چایی تعارف می کرد. اگر عزاداری در هنگام تابستان بود، شربت و آب یخ گردانده می شد. همچنین به دنبال شربت، چای وقلیان می آوردند. هزینه پذیرایی در طاق نماها را صاحب و مسئول هر طاق نما و یا مردم خیر (به وقف

و نذر) متقبل می شدند. از جمله تکیه های معروف تهران، می توان از این تکایا نام برد: تکیه زنبورک خانه، تکیه دباغ خانه، تکیه قمی ها، تکیه چهل تن، تکیه نوروزخان، تکیه عودلاجان، تکیه هفت تن، تکیه حاج میرزا آقاسی، تکیه درخونگاه، تکیه سرپولک، تکیه سلطنت آباد، تکیه نیاوران و به خصوص تکیه معروف دوره قاجار «تکیه دولت» که محلی بود در مرکز تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار که محل اجرای تعزیه های مهم در روز عاشورا و سایر ایام عزاداری محسوب می شد. این تکیه پشت ساختمان بانک ملی کنونی بازار روبه روی سبزه میدان واقع بود. در سال ۱۳۲۷ ه.ق این محل تخریب گردید.

تکایای معتبری هم در شهر مذهبی قم قرار دارند که اسامی برخی از این تکایا عبارتند از: تکیه باغ پنبه، تکیه پنجه علی، تکیه متولی باشی، تکیه شاه خراسان، تکیه گذرچاد.

اما یکی از تکایای برجسته ایران، که در واقع موزه کاشی ایران محسوب می شود و از نظر نقش و نگار و نگاره های مذهبی در خور تأمل است، «تکیه معاون الملک» کرمانشاه می باشد. این تکیه مشتمل بر سه بنای «حسینیه»، «زینبیه» و «عباسیه» است. این تکیه دو حیاط و یک عمارت در میان دارد و دیوارها و قسمت های گوناگون به طور کلی پوشیده از کاشی های گوناگون با رنگ های متنوع و زیبا هستند. بانی تکیه، مرحوم حسن معینی، معروف به «معین الرعایا» بوده که در سال ۱۳۲۰ ه.ق به ایجاد آن همت گماشته است. چون در واقعه مشروطیت، بخشی از تکیه توسط مستبدان آسیب دید، معاون الملک در سال ۱۳۳۱ ه.ق تکیه را احیا و خرابی های آن را ترمیم کرد و به همین دلیل، بنا به نام وی معروف شد.

این ها همه از تأثیر تشیع و بزرگان مذهب شیعه و کرامت و عنایت این بزرگواران است که خاک بی مقدار را به نظر کیمیا می کنند. مردی مؤمن و خدانشناس از تبار عاشقان سیدالشهدا(ع) وقتی از شدت و حدت عزاداری در تکیه «متولی باشی» قم سخن می گوید، اشک بر دیده می آورد و خاطراتی بازگو می کند: «...خدا شاهد است که اگر اشک هایی را که در طول سالیان متمادی در این تکیه ریخته شده، جمع آوری کرده، به یکباره در آن بریزند، سیل اشک از بالای دیوار آن به بیرون خواهد ریخت...»

سقاخانه

«سقا» پخش کننده آب را گویند و «سقاخانه» جایی را نامند که در آن جا برای تشنگان آب ذخیره نمایند و آن جا را متبرک دانند. «سنگاب» ظرف بزرگی است که ازسنگ سازند و در حیاط مساجد و امام زاده ها و تکایا جای دهند و در آن آب ریزند تا تشنگان از آب آن بنوشند

مولانا واعظ کاشفی سبزواری (متوفی در اوایل قرن دهم ه.ق) در کتاب بی نظیر «فتوت نامه سلطانی» (باب ششم) در وصف سقایی و سقایان چنین می نویسد: «...»

بنا به قولی، نخستین سقا در تاریخ شیعه، حضرت علی بن ابی طالب(ع) است. او در جنگ احد تشنگان را آب داد؛ فردای قیامت، ساقی حوض کوثر خواهد بود و در صحرای محشر، تشنگان را سیراب خواهد کرد. دوم عباس بن علی(ع) بود که روز عاشورا در صحرای کربلا، عزم جزم کرد تا تشنگان اهل بیت را سیراب کند. پس از کسب رخصت از امام حسین(ع)، عباس(ع) فرصت یافت و کنار فرات آمد و مشک آب را پر کرد. چون خواست که آب بنوشد، تشنگی اهل بیت را به یاد آورد. پس آب نخورد و مشک به دوش کشید. اما... ملعونان گرد وی درآمدند و

دست هایش بیفکندند. پس هر کس به عشق شهیدان کربلا، به متابعت عباس بن علی(ع)، سقایی کند، اجری اخروی نصیب او شود...»

به این دلیل است که مردم پس از نوشیدن آب و رفع عطش، به عنوان سپاس می گویند: «آب زمزم/ کوثر نصیبتان شود». «اجرتان با سقای دشت کربلا». سقاخانه هارا می توان پدیدارهایی اجتماعی- مذهبی با قدمتی دیرینه نامید که در آنها، «آب»، این عنصر حیات بخش (و جعلنا من الماء کل شیء حی)، به رایگان در اختیار رهگذران تشنه قرار می گیرد. اما در پس این تعریف ساده و کوتاه، فرهنگی کهن و ارزشمند نهفته است. سقاخانه ها در نظر مسلمانان و به ویژه اهل تشیع، همواره از جایگاهی مکرم و حرمتی خاص برخوردار بوده اند. اولین موضوعی که در بررسی سقاخانه مورد توجه قرار می گیرد، «آب» است. باید توجه داشت که آب سقاخانه ها در نظر مریدان آن، آب معمولی نیست، بلکه عنصری است مقدس، شفای دردهای جسمانی و آرام بخش روح های پریشان. این آب نشان از ایمان دارد، از ایثار، از فداکاری و محبت و بالاخره نشان از شهادت. حقیقت این است که والاترین و متعالی ترین مفهوم اجتماعی- اعتقادی «آب» را در مذهب شیعه می توان یافت؛ آن جا که آب را مهریه حضرت فاطمه زهرا(ع) قرار داده اند. آب علاوه بر تمامی مفاهیم مزبور، نمادی از گذشت و فداکاری و سپس شهادت است. و این است همان فلسفه اصلی انفاق آب و احداث بنای کوچک سقاخانه. شاید دلیل اصلی احداث سقاخانه ها از طرف بانیان خیر آنها، به طور عمده دو چیز بوده است: یکی تمسک به عملی خیر برای سقای مردمان؛ و دیگری یادآوری حادثه عاشورا و واقعه کربلا و خاطره تشنگان شهید از جور و ستم اشقیاء، که این در کشورهای شیعی مذهب، از مهم ترین دلایل احداث سقاخانه ها به شمار می آید.

معماری سقاخانه ها

از نظر معماری و شکل بنا، سقاخانه های تهران و بسیاری از ولایات را می توان به طور نسبی در سه گروه کلی جای داد و خصوصیات مشترکی نیز برای هر گروه تعریف کرد: گروه اول سقاخانه هایی که ساختمان آنها با بناهای اطراف خود پیوند ندارد و به تعبیری، مستقل هستند. این بناها معمولا مکعبی شکل بوده و گاه به صورت بنایی استوانه ای و یا هشت گوش ساخته می شوند، به گونه ای که از چهار جهت نما دارند و قابل بهره برداری اند.

گروه دوم را که در تهران از کثرت برخوردارند، می توان «سقاخانه های دکانی شکل» نامید. نمای کلی این سقاخانه ها به گونه دکانی نیم بابی یا یک بابی است که در کنار مجموعه ای از دکان ها و یا منازل و بناهای اطراف قرار گرفته اند. محل احداث این نوع سقاخانه ها بیشتر در کنار معابر اصلی و پر رفت و آمد شهر است. گروه سوم را می توان «سقاخانه های رفی شکل» نامید. این گونه سقاخانه ها در شکل کلی، کاملا وابسته به بنای همراه خود هستند و از نظر تملک، جزئی از بنای خانه یا مسجد مجاور خود محسوب می شدند. نمای عمومی این گروه از سقاخانه ها، که غالبا کوچک و محقر هستند، به صورت فرورفتگی مختصر رف مانند یا تاقچه مانندی در دیوار بنای پشتی خود است. این گروه از سقاخانه ها بیشتر در معابر فرعی و کوی ها قرار دارند و فاقد وقف نامه ای مستقل هستند.

بررسی نمادین تزیینات داخلی و خارجی سقاخانه ها

به نظر دل سپردگان به سقاخانه ها، هر یک از عناصر سازنده سقاخانه، مفهوم و مضمونی در بر دارد. شبکه و پنجره مشبک فلزی اغلب به رنگ طلایی و نقره ای یادآور مزار اولیاست؛ قبه های روی مخزن آب، بقعه و آرامگاه شهدا را به یاد می آورد؛ دست افراشته بر افراز هر قبه، نشانه پنج تن آل عبا و نشان مخصوص دست و پنجه مبارک حضرت

عباس(ع) است؛ نوشته های اطراف سقاخانه، آیاتی از قرآن، شعارهای مذهبی یا اشعاری در مدح و ثنا و رثای امام حسین(ع) و حضرت عباس(ع) هستند؛ مانند: «السلام علی الحسین(ع) و علی علی بن الحسین(ع) و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین(ع)» .

شاه بیت هایی از دوازده بند محتشم کاشانی نیز به خط جلی، نمایی سقاخانه را آدین می بندند:
از آب هم مضایقه کردند کوفیان
خوش داشتند حرمت مهمان کربلا.
تجلی سقاخانه در آئینه فرهنگ عامه

سوگند به صاحب سقاخانه ها، حضرت عباس(ع) علمدار، از قسم های بسیار مهم مردم، و در نظر گرفتن موقوفاتی برای این مکان ها از عمده مسائل مرتبط به باقیات صالحات بوده است. هنوز هم مادران به هنگام زمزمه لایلی ها برای کودکان خود، از ساقی دشت بلا یاد می کنند. ضرب المثل هایی هم ویژه سقاخانه ها هستند؛ مثلاً «از سقاخانه شمع دزدیدن» کنایه از انجام عمل خلاف و نشانه اوج خلاف کاری است. «از سقاخانه شمع کشیدن» در برگزیده مضمونی خاص است. در سابق، اگر کسی مورد ظلم قرار می گرفت، شمعی از سقاخانه ای بر می داشت و نذر می کرد که هرگاه ظالم به جزای عمل خود برسد و مظلوم به حق خود دست یابد، در عوض، بسته ای شمع به آن سقاخانه پیشکش نماید. افسانه های بسیاری در باب توسل مردم به این سقاخانه ها در گنجینه سینه مردم و به خصوص پهلوانان وجود دارند.

سنگاب

در گذشته، علاوه بر واژه «سقاخانه» از واژه هایی مانند «سنگاب» نیز استفاده می شد. البته میان سقاخانه هایی که آب آن را متبرک می دانسته اند و سنگاب ها تفاوت هایی وجود دارند. با این حال، به حرمت آب و در نظر گرفتن احادیثی از اولیا، تهیه سنگاب ها هم نوعی وظیفه شرعی برای شیعیان در نظر می آمد. سنگاب های و سنگاب خانه های بسیاری در نقاط مختلف ایران، به خصوص مراکز مذهبی و از جمله شهر مقدس قم، وجود داشته و شاعران آل الله در ارتباط با شأن شهیدان اشعار نغزی سروده و بر روی این سنگاب ها نقش نموده اند:

آبی بنوش و تشنه لبان را تو یاد کن

لعنت به شمر و خولی و ابن زیاد کن.

سقاخانه از دیدگاه یک محقق خارجی

پیتر لمبورن ویلسون (Peter Lamborn Wilson)، محقق از مغرب زمین (قریب یک قرن پیش) در مقاله ای تحت عنوان «سقاخانه» از این بنای مذهبی و شیعی در ایران یاد می کند و می نویسد: «هنگامی که در ایران، از بازارچه ای می گذرید و یا از کوچه محله ای قدیمی رد می شوید، به یک تورفتگی برمی خورید که در دیواری تعبیه شده است و پنجره مشبک آهنی، قسمتی از آن را می پوشاند.

داخل تورفتگی، شیرهای متصل به مخزنی - پشت دیوار - با مخزن بزرگ آب می بینید. این مخزن، که به شکل استوانه ای از مس ساخته شده، گاهی به تزیینات، آراسته است؛ بالایش سه قبه دارد. از روی قبه میانی، که از دو دیگر بزرگ تر است، پنجه دست زیبایی برافراشته است که رویش با خط خوش، کلماتی را به صورت مشبک

نوشته اند. چندین پیاله آب خوری سنگین مسی با زنجیر به مخزن وصلند. از دیوار تورفتگی، شمایل هایی به رنگ های درخشان آویزانند و دور و بر مخزن آب، شمع هایی گذاشته اند که بعضی روشنند و بعضی سوخته اند. نوارهایی از پارچه های رنگی (به ویژه سبز) به میله های پنجره مشبک بسته اند». در مورد سقاخانه و سقایت و سقایی، در کتب معتبر ایرانی و خارجی، اشاره های فراوانی وجود دارند و تأثیر مذهب تشیع در این بناهای مذهبی را توصیف می کنند.

نگاهی به مکتب هنری سقاخانه

تقریباً از سال ۱۳۴۰ جمعی از هنرمندان با استفاده از طرح های مذهبی و نقوش و موتیف ها (خرده نقش ها)ی مذهبی، موجد یک موج هنری موسوم به مکتب یا سبک «سقاخانه» ای شدند؛ یادی از حرم و تکیه و حسینیه. حال و هوای این گونه کارها در نقاشی و دیگر کارهای هنری همین بود: «بوی روضه و گریه، روشنی شمع و برق طاس های برنجی، صدای صلوات و یا حسین(ع)، و فدای لب تشنه ات یا ابا عبدالله». طرح ها و نقش های سنتی- مذهبی برگرفته از فضای آرام و صمیمی و پر از خلوص سقاخانه ها و تکیه ها، امکان همه گونه ترکیب و تجزیه را در زمینه هنر نوین، به هنرمندان سقاخانه ای می دادند که همه در نوع خود بدیع و زیبا بودند.

در این که چرا این موج هنری خاص «مکتب سقاخانه» نام گرفت، توجیحات متفاوتی وجود دارند. اصولاً سقاخانه ها یکی از مراکز زیارتی مهم در تشیع محسوب می شوند. مراسم تعزیه، که در محرم، و گاهی در سایر ایام، برپا می شود نیز، شاید بیش از سقاخانه ها، پدید آورنده نقش ها، شکل های ساختمانی و اشارات و رمزهای ادبی باشد. خود تکیه ها و حسینیه ها به عنوان محل های برگزاری آیین های مذهبی، و پرچم ها و بیرق ها که نشان از علم حضرت عباس(ع) دارند، اسب زخمی امام حسین(ع)، کمان ها، نیزه ها و شمشیرها، لباس سرخ اشقیاء، لوازم و اسباب صحنه نمایش تعزیه خوانی شامل خیمه و ظرف آبی به نشانه فرات، همه و همه در هنگام نمایش از قدرت بیانی بالایی برخوردارند.

این گونه نمادها و تجسم های مذهبی، الهام بخش هنرمندان منتسب به مکتب سقاخانه ای گردیدند. در واقع، این تجسم ها و تمثیل ها با روحيات مردم عجین شده و نوعی فهم نمادین ایجاد کرده اند. همین فهم نمادین بود که باعث گردید در برخورد با مکتب سقاخانه، احساسی مشترک در مردم به وجود آید و اقبال عمومی وسیعی برای دست کم دو دهه در هنر معاصر کشور را موجب شود.

سقانفار

«سقانفار» یا «سقاتالار» بنایی است با مواد و مصالح چوبی که در استان مازندران در کنار تکایا و مساجد و حتی در میان شالیزارها (برای عبادت شالی کاران در این مکان) ساخته می شود. این بناها را به یاد سقایت دشت کربلا، حضرت ابوالفضل(ع)، می سازند.

سقانفارها معمولاً دو طبقه اند: طبقه اول آن مکانی است که معمولاً زنان محل در آن جمع می شوند و عزاداری می کنند و نیز وسایل پذیرایی از عزاداران در آن قرار می گیرد. طبقه دوم محلی است که مردان در شب های عزا و دهه اول ماه محرم در آن جا به عزاداری می پردازند.

آب انبار

تأثیر تشیع در یکی از ابنیه مهم ایران، یعنی «آب انبار»، در خور توجه است. آب انبار در سراسر راه های ایران و در شهرهای این سرزمین خدایی، به تعداد بسیار دیده می شود و بعضی از آنها، که در شهرهای خشک و کم آب ساخته شده، خود اثری بسیار زیبا و از لحاظ معماری و مسائل مربوط به سنت پسندیده «وقف»، شایان توجه است. در میان موقوفات، با توجه به اسناد و مدارک موجود، یادداشت های فراوانی در این زمینه وجود دارند بسیاری از مردم مؤمن، موقوفاتی برای احداث آب انبار و استفاده عموم از این آب انبارها تعیین کرده اند. از این نظر، در برخی ولایات، آب انبار را «اهل ایمان» می گویند (مثل اردبیل و بسیاری از نقاط آذربایجان). سابقا این آب انبارها کارکرد و عملکرد دقیقی در زندگی مردم داشتند.

ساختمان آب انبار مسلما در حیطة اماکن مقدس و متبرک و مطهر بود و فرهنگ شیعی در این جا هم خود را نمایان می سازد. کاشی های سر در این آب انبارها با کلماتی به خط نستعلیق بسیار زیبا به رنگ سفید بر قطعات لاجوردی نوشته می شدند. چند رشته قنات برای هر آب انبار وقف می شدند و گاهی مستغلات فراوانی در اختیار بانیان این آب انبارها قرار می گرفتند

امام زاده ها

تأثیر تشیع در زیارت آستانه های مقدس امام زادگان نظر کرده کاملا آشکار است. آرامگاه هر یک از این عزیزان بنده خدا، به خصوص آفازاده هایی که صحن و سرای آنها به زیارت نامه و شجره النسب مزین است و این امام زاده ها واجب التعظیم محسوب می گردند، در خور توجه و محل التجا و التماس و پاکی است. آن چه از تأثیر تشیع بر معماری مساجد فرامی گیریم به کارگیری عناصر و عوامل مؤثر در شکل گیری مذهب تشیع است. شیعیان ایرانی برای نماز و نیایش، هرگز محراب خونین شهید محراب علی بن ابی طالب(ع) را فراموش نکرده اند.

ساختمان این امام زاده ها در هر گوشه از ایران، محل تجمع عاشقان آل الله است و از نظر آرایه ها و پیرایه ها و علم بندی ها و نگه داری پرچم ها، در خور توجه است و از دیدگاه ساختن ضریح، نمونه ذوق هنرمندان محسوب می گردد. بندبند اشعار مربوط به اولیا الله به خط خوش، آزین بند دیوارها و حتی ضریح و صندوق چوبی و فلزی ساختمان امام زاده هاست. برخی از این امام زاده ها و قدمت ساختمان آنها، قدمت شهرسازی یا سکونت در روستا را نشان می دهد. بیتوته کردن در این اماکن و کسب شفای روحی و همدلی و همدردی با امام زاده هایی که روزگاری از جبر و جور اشقیا به شهادت رسیده اند، از آمال و آرمان های دل سپردگان به این امام زاده هاست که به خصوص پس از حرکت امام رضا(ع) از مدینه به سوی ایران و توس، برادران این امام همام به ایران رو آوردند و بسیاری از آنان متأسفانه توسط عمال خلفای جور به شهادت رسیدند. اما مرقد و مشهد و آرامگاه آنان زیارتگاه عاشقان و اهل تشیع گردیده است.

زورخانه و گود مقدس زورخانه

زورخانه در نظر ورزشکار مؤمن، جای نیکان و پاکان و مکتب فتوت و جوانمردی است. گفته اند اهل زورخانه با توسل به آداب و عادات شیعی و با در نظر گرفتن فتیان، حضرت امیرمؤمنان(ع) به عنوان قطب الاقطاب، مراحل عرفان را طی می کنند و پاکی و جوانمردی خود را مدیون حیدر صفا می دانند. از دیدگاه معماری، زورخانه بنایی است مسقف که به وسیله پنجره ای که در سقف بنا تعبیه شده، ساختمان زورخانه نور می گیرد. گود زورخانه، که ورزشکاران در آن جا ورزش می کنند، پایین تر از سطح زمین قرار دارد تا

ورزشکاران هنگام ورزش، نسبت به دیگران پایین تر قرار گیرند و در خود، احساس کبر و نخوت نکنند. گود معمولا به شکل کثیرالاضلاع است و به صورت چهارگوشه یا شش گوشه و هشت گوشه ساخته شده. مفهوم «جوز سرشکستن» در زورخانه یعنی کبر و غرور را از خود دور کردن. بنابراین، در ورودی زورخانه را کوتاه می گیرند تا همه کسانی که وارد زورخانه می شوند، از حضرت علی(ع) و تواضع آن حضرت یاد کنند. سکویی به نام «سر دم» برای نشستن مرشد زورخانه برپا می دارند و از آن جاست که مرشد، دم بع دم، مدح حضرت علی(ع) می خواند و در اعیاد، مدیحه خوانی می کند و در وفیات، به خواندن مراثی می پردازد. به جرئت می توان حرمت و اعتبار ساختمان زورخانه را به تأثیر مستقیم تشیع پیوند داد و اهل زورخانه را از سرسپردگان حضرت حق و اولیا و ائمه اطهار(ع) دانست.

نتیجه گیری

هر چند تحریر مطالبی در زمینه تأثیر تشیع در ابنیه و اماکن مذهبی، کاری دشوار است، اما هنرمندان مخلص به آل الله، شاهکارهای خود را در قاب آئینه صحن و سرای مساجد و تکیه ها و حسینیه ها و امام زاده ها و سقاخانه ها و زورخانه ها و... عیان نموده اند تا از این طریق، به آئینه بندی دل های مؤمنان بپردازند و دل ها را صفا بخشند و زنگار از آئینه دل ها بزداپند و شک را برطرف سازند و به دامن حقیقت بیاویزند.

در طریق دل‌سپاری به این اماکن، باید متوجه باشیم که خرافات را حتما از حیطة و حریم این اماکن دور نگه داریم. درود می فرستیم به روان هنرمندان جان شیفته و سلام بر هنرمندانی که در پیراستن این صحن و سراها جان صرف کرده اند و این اماکن را نه در بند یک ساختمان و متکی به مصالح مادی دانسته اند، بلکه بقاع متبرکه را از نفس قدسی و انفاس الهی اولیا آکنده اند.

هلا ای نگارگر چیره دست! دستان مریزاد که از مژگان خود قلم ساختی و از دوات خون بار چشم، جوهر سرخگون برگرفتی و شقاوت اشقیا را بر دیوارهای بقاع متبرکه نمایش دادی و حلاوت و ظرافت نگاه اولیا را عیان ساختی و به نشان ماتمرداری، شال عزا بر گردن انداختی و بر سینه کوفتی و فریاد برداشتی که:

پشت نبی و آل نبی در جنان شکست
تا در جهان، سپاه شه انس و جان شکست
در سینه شان ز شست و ز دست مخالفان
از هر طرف خدنگ خلید و سنان شکست

آری، از رخ نیلگون کاشی تا سیمای زعفرانی آجر و از رخسار سپید گچ بری ها تا دل نازک شیشه ها، هر یک، در برگزیده زیبایی های برگرفته از خط مشق هنرمندان عاشق رسول خدا(ص) و اولاد اوو بنیانگذار مذهب شیعی علوی، حضرت مولی الموحدین علی(ع) هستند.

این نکته در خور توجه است که چنین هنرمندانی، صاحب دل، بی ریا و اهل صفا هستند و بسیار هنگام، هنر خود را وقف تحریر وقف نامه ها و کتیبه ها می نمایند؛ چرا که هنر، خود هدف نیست، بلکه وسیله ای است برای اهدافی مهم، و ابزاری است برای معرفی پیام متعالی و دعوت به سوی حق و هدف والای الهی و انسانی. از کسانی که از سنگاب های آراسته و نقوش قدسی آب خورده اند، تا کسانی که در سقانفارها بر سینه کوبیده و

داغدار گشته اند، تا بانیان تکیه ها و حسینیه ها و عزاخانه ها و آینه بندان سقاخانه ها، همه می دانند که اگر معرفت و عشق در کار نباشد، زیبایی جلوه ای نمی یابد. سجده گاه ها و محراب ها و منبرها، رخت ماده را در عشق به اولیاء خدا از خود دور می سازند و جنبه رمز و راز به خود می گیرند. این جاست که تشیع راهی به دل ها می یابد و هنرمند شیعی، هنر را به جهان بینی اهل تشیع درهم می آمیزد تا نگاره ها و ازاره ها و کنگره های هر ساختمانی را به نیکو وجهی مجسم سازد. انسان فقط گوشت و پوست نیست؛ قلب انسان خدای خانه است. و احساس انسان کرانی ندارد، و چون می دانیم که: «ان الله جمیل و یحب الجمال»، پس زیبایی و قلمرو زیبایی و مباحث زیبایی شناسی را در تأثیر تشیع بر ابنیه و اماکن مذهبی به آسانی در می یابیم.

هر صحنه که باشد خبر از کشتن مظلوم
آن صحنه، نشان از خط خونبار حسین (ع) است

روزنامه همشهری ۱۳۸۳/۹/۱۷

<http://www.hamshahri.net/vijenam/kherad/1383/830917/twentione.htm>

فهرست منابع مأخذ

- سهراب اسدی تویسرکانی، پیام آوران خونین بال، ج چهارم، نشر مؤلف، ۱۳۸۱.
- نادیا بنیادلو، سقاخانه های تهران، مؤسسه فرهنگی هنری پیشین پژوه، ۱۳۸۱.
- کریم پیرنیا، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، چاپ ششم، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۱.
- محمدمهدی حرزاده و ملیحه حرزاده، «یزد شهر سقاخانه ها»، فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ یزد، سال ۴، ش ۱۲ و ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۸۰)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد.
- حسین سلطان زاده، روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، آگاه، ۱۳۶۲.
- مهدی عباسی، تاریخ تکایا و عزاداری قم، ناشر: نویسنده، ۱۳۷۱.
- عبدالله عقیلی، تاریخ آستانه ری، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰.
- جابر عنصری، تجلی قرآن در قاب آئینه فرهنگ عامه ایران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین، ۱۳۸۰.
- جابربن عنصری، سلطان کربلا، (شرح واقعه عاشورا)، زرین و سیمین ۱۳۸۲.
- جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، معروف، ۱۳۷۴.